

# شناخت ملل

- ۲ -

## فصل دوم

### الفاظ و تعریفات

علم یکمیت دارای شعبه های مختلف دائم در افزایش . هر يك از شعبه ها الفاظ و اصطلاحات خاص دارد . در شعبی از قبیل علم شناخت ملل توجه دقیق بمعانی و مفاهیم صریح الفاظ و اصطلاحات لازمتر می نماید چرا که وضع بکار بردن بعضی از آنها بعلمت سهل انگاری و کم دقتی بطریقیت که باعث خطا و اشتباه و مشتبه بودن معنی و مفهوم و گمراهی تواند بود . معهود اینست که هر دولت عضو «جامعه ملل» از میان رفته یا عضو «جامعه ملل متحد» نمایندة ملت خود باشد . مفهوم این دو دستگاه نیز بر هیچ عالم فرزانه مطلقاً پوشیده نیست با اینهمه صحیح آنست که در این دو اسم بجای کلمه ملل لفظ دول گذاشته شود . در تحقیق راجع بشناخت ملل از کلمه بورژوازی bourgeoisie سخن بمیان می آید . این کلمه که در اکثر زبانها بتلفظ فرانسه بکار میرود در هر زمانی و در هر مقامی يك مفهوم ندارد . بورژوازی در لغت نامه های انگلیسی و امریکائی اسم آن طبقه اجتماعیست که میان کارگر و اشراف و دانشمندان قرار دارد . طبقه متوسط و اواسط الناس هم بفارسی بورژوازی ترجمه شده است . همین لفظ بورژوازی در اصطلاح کارل مارکس بمعنی طبقه سرمایه دار ضد پرولتاریا استعمال میشود . در زبان فرانسه بورژوازی یعنی طبقه ای از اجتماع که مرفه اند و آسایشی دارند و بکار هائی که باید با دست انجام داد هرگز نمی پردازند . طبقه ای در مقابل طبقه کارگران و دهقانان ، خود منقسم بسه دسته :

بورژوازی عالی Lahaute bourgeoisie صاحب وسائل تولید .

بورژوازی متوسط moyenne bourgeoisie شامل کسانی که در دستگاههای اقتصادی

دارای مقامات مهمند و نیز شامل دارندگان مشاغل آزاد .

بورژوازی کوچک petite bourgeoisie شامل صاحبان مشاغل متوسط و پست در امور

صناعت و تجارت و جمع کسانی که منافع خود را وابسته بمصالح دو طبقه دیگر بورژوازی میسرند .

تا چندی پیش مهمترین زبان علمی ملل اسلامی زبان عربی بود . فضایل فرنگی بر اثر آشنائی با معارف اسلامی و ترجمه کتب و اقتباس از مؤلفات علمای اسلام اصطلاح «علوم

عربی Sciences Arabes را نیز بکار برده اند . اکنون مسلمانان و دانشمندی بزرگه مثل ابن خلدون بشرح گفته و روشن کرده است که در جمع ملل اسلامی عرب را در شعب علم بقدر مسلمانان دیگر آشنائی و درکشف و تدوین معلومات تأثیری نبوده است .

اس تبلیش مننت Establishment کلمه ایست انگلیسی از اصل فرانسه در انگلیسی دارای معانی مختلف و چون حرف اولش را بزرگه بنویسند در معانی خاص بکار میرود که اکنون جمعی از روشنفکران انگلیسی بمخالفت با مفهوم مهمتر آن برخاسته اند . Establishment گذشته از معانی لغوی اصلی بمعنی «کلیسای انگلیسی» و «کلیسای پرسبی تیریانی اسکاتلند» هم بکار میرود و لیکن مفهوم مهمتر آن که بیشتر بزبان و بقلم می آید خاص مملکت انگلیس و بمعنی چیز است کلی مرکب از عناصر و عوامل مهم کلیسا و دولت مندان و اشراف که از طریق تأیید و نگاه داشت یکدیگر در امور مملکت دخالت و تأثیر میکنند .

مفاهیم کلماتی مثل شرق و غرب و لقب زشت غلط بد ساخت «توسعه نا یافته» و هر لفظی دارای مفهومی مبهم و نامصرح در گفته ای و نوشته ای که محتاج کمال دقت نباشد بعلت سهل انگاری استعمال میشود اما در علم شناخت ملل باید مفهوم صریح هر لفظ معین و معنی حقیقی و مجازی روشن گردد تا ابهامی در میان نماند Labour Government را «دولت کارگری» ترجمه کرده اند . آیا مفهوم حقیقی این دو کلمه در ذهن فارسی زبان بیخبر از اوضاع حکومت و دولت انگلیس همانست که انگلیسی یا آمریکائی یا آلمانی از آنها میفهمند . مثالهایی از این قبیل نه چندانست که در این جا بتوان نوشت .

وسائل و لوازم شناخت ملل متنوعست و بسیار ولیکن برای فهمیدن و فهاندن مطالب و مسائل و معلومات آن چیزی مهمتر از لفظ الفاظ دال بمعانی صحیح دقیق مفاهیم و مصداق مختلف نیست . پس لازم می آید که برای محکم بودن میانی این علم نوساخت بدانچه مربوطست بلفظ توجه خاص نمود و در انتخاب کلمات و وضع اصطلاحات و درست بکار بردن آنها دقت لازم بکار برد .

### تعریفات

علم شناخت ملل هم تعریفی میخواهد جامع و مانع مثل تعریف هر يك از شعب علم . اما اول باید هر چه مختصرتر بشرح مفهوم و ذکر تعریف سه کلمه «علم» و «شناخت» و «ملت» پرداخت .

علم نیز از الفاظیست دارای معانی مختلف و معنی لغوی آن معرفت و دانش و آگاهیست . کلمه ای که علم ترجمه فارسی آنست در اصطلاح علمی زبانهای فرنگی بوجوه مختلف تعریف شده است و بعضی از آنها در اینجا درج میشود .

علم آگاهی یافتن از حوادث طبیعی و روابط میان آنهاست بر حسب نظم و ترتیب . علم معرفتی است حاصل از مشاهده و مطالعه و آزمایش مرتب منظم برای تشخیص طبع موضوع سخنی یا قواعد و اصول آن .

علم یعنی مجموع معلومات راجع بطبیعت و جامعه و انسان ، خلاصه ، همه معلومات راجع بانچه موضوع شناخت و معرفتی باشد که آن را بتوان آموذ . باندک دقتی این دو نکته آشکارا میشود که :

۱ - میان تعریفهای مختلف «علم» تفاوت بسیار وجود دارد .  
 ۲ - کلمه «علم» در بیان مفهومهای بکلی مختلف با یکدیگر ، بمعنی معلومات و ادراک و علم اصطلاح علما بکار میرود :

مشکلات دیگر هم هست . در شمردن انواع علم ، علوم تجربی و علوم عملی و علوم انسانی و علوم طبیعی ، از «علوم صحیح» نیز سخن بمیان می آید و موصوف کردن بعضی از شعب علم بصفه «صحیح» عجیب می نماید . مگر علم ناصحیح هم وجود دارد و آیا «ناصحیح» را میتوان علم خواند .

هیچیک از معانی کلمه «علم» را نباید از آن گرفت و علم باز بمعنی معلومات و معانی دیگر بکار خواهد رفت اما در بحث علمی علی الخصوص در آنچه راجعت بعلم نوساخت شناخت ملل باید سعی کرد که بقدر ممکن برای هر مفهوم لفظی خاص استعمال شود تا معنی صریح و روشن باشد .

بیکن Bacon (۱۵۶۱ - ۱۶۲۶ میلادی) فیلسوف انگلیسی همه علوم را شاخه های يك درخت می شمرد و لیکن او گوست کنت Anguste Comte (۱۷۹۸ - ۱۸۵۷ میلادی) فیلسوف فرانسوی ، واضع علم جامعه شناسی ، علوم را مطابق مانند پله های چند بدسته های مختلف تقسیم کرده است .

بیشتر اهل فضل پیرو عقیده اولند که اصل همه شعب علم یکی است و از ایشان متابعت باید کرد چرا که وحدت اصل همه شعب علم منطقی بنظر می آید . تنوع موضوع موجب تنوع شعب علمست و بس .

باری در این رساله لفظ علم هر وقت مطلق بکار رود باین معنیست :

### گوشیدن در شناخت طبع و خصائص موضوع .

این تعریف لازم می آورد که موضوعی اختیار شود و جمع مواد و آثار و مدارك لازم برای تحقیق در آن فراهم گردد و عدد اصول و قواعد و قوانین مربوط بموضوع موافق روش علمی در آن تحقیق شود و هر نوع آزمایشی متناسب باطبع و کم و کیف موضوع بکار رود و اطلاعات مدون و از اطلاعات دقیق معلومات صحیح استخراج و ثبت گردد . وشك نیست که بر حسب اختلاف و تفاوت موضوع در نوع مواد و مدارك و روش تحقیق و اصول و قواعد و آزمایش و کیفیت تدوین اطلاعات و درجه معلومات تفاوت روی میکند .

در این رساله لفظ «شناخت» بمعنی اخص آن بکار میرود . شناختن ممکن نیست جز از طریق پی بردن بجزئیات و کلیات همه اجزاء و ارکان و عوامل و موجبات و مظاهر و کیفیت تاثیر آنها در یکدیگر و این همه برای دریافت کامل صورت کلی حقیقی شامل طبع و ذات و حالات و صفات و خصایص موضوع .



در کار شناخت ملل توجه بمفهوم و تعریف «ملت» بسیار لازم می نماید چرا که امروز در این عالم لفظ ملت هم شامل ملت یمن است، افرادی هم نژاد و همدین و هم مذهب و هم زبان هم شامل ملت هندوستان ، ملتی دارای چند نژاد و چند دین و چند زبان .  
 لفظ «ملت» کلماتی از قبیل اصل و نژاد و قوم را بیاد می آورد . برای بحث در باب مفاهیم

این کلمات کذاب مایه باید تا معلوم گردد که عقاید راجع باصل بشر و نژادهای مختلف و تقسیم قدیم و جدید نژادی چیست . بااینهمه در شناخت ملل بتأثیر خصائص نژادی در حالات و صفات و مختصات ملی باید توجه خاص نمود .

طرق تقسیم بشر به نژادهای مختلف و فروروع هر نژاد و علائم و آثار هر يك : تناسب اندام ، علائم و آثار صورت ، اندازه قامت ، وضع چشم ، و کله و مو ، نسبت پوشیدگی بدن از مو ، رنگ پوست و چشم ، موضوع رسائل و کتب بسیارست و در شناخت هر ملت اصول عقاید علمای بزرگ را نادیده نمیتوان گرفت . ملت يك نژاده بکلی خالص از نژادهای دیگر وجود ندارد . بحقیقت یکی از خصائص «ملت» رنگ ملی دادست بنژاد های گوناگون جزء ملت . موضوع نژاد موضوعی وسیعست و مهم و از قدیمترین ایام ، بحکم آنچه در تصویرهای مصری و کتب قدیم یونانی و تورات یافت میشود ، بآن توجه داشته اند و از چندین پیش موجب بحث و جدل و نزاع و جنگ نیز شده است . در شناخت ملل آن قدر که برای پی بردن بخصائص ملی لازم و کافی باشد بموضوع نژاد باید پرداخت و بس .

«قوم» نیز معانی مختلف دارد و به مهم ترین آنها باید توجه داشت . مفهوم لفظ قوم غالباً اعمست از مفهوم لفظ «ملت» . قوم آریائی ، قوم عرب ، قوم ترك ، قوم آنگلساکسون ، هر يك شامل بیش از يك ملتست .

قوم گاهی بمعنی «نژاد» و «ملت» هم بکار میرود . از تعریفات قوم یکی اینست : «مجموع افراد پراکنده در ممالک مختلف ، پیوسته یا یکدیگر بملائق نژادی و دینی و فرهنگی یا هر نوع پیوند و رابطه ای دیگر»

باری ، قوم یهود هست متفرق در سراسر جهان همه اعضای يك قوم و هر جمعی از این قوم در میان هر ملتی جزئی از آن ملت . ملت هندوستان را نیز باید بیاد آورد و در آن قوم پارسی و قوم یهود و اقوام مختلف دیگر همه اجزای يك ملتند . در این جا مقصود از لفظ قوم مفهوم بیست مشمول تعریف مذکور .



کلمه «ملت» در فارسی معانی مختلف داشته که همه برجاست و بر آنها معانی جدید افزوده شده و اصطلاحاتی جدید از قبیل «ملی کردن» و «ملی شدن» پدید آمده است . وجود دو کلمه «ملل متنوعه» در قوانین ما خود دلیلست براین که «ملت» غیر از معنی عادی معنی دیگری هم دارد . از «ملل متنوعه» مراد گروههای مختلف ملت ایرانند که مسلمان نیستند و پیرو ادیان دیگرند : زردشتی ، یهودی ، عیسوی . ملت در اصطلاح ملل متنوعه بمعنی دین آمده و گرنه تصور پذیر نیست که در جمع ملت ایران ملتهای دیگر وجود داشته باشد .

در زبان فارسی مفهوم فعلی ملت - ترجمه ناسیون - جدیدست و بتدریج بر مفهوم قدیم غالب آمده است و اکنون جز در اصطلاح مذکور و ملل و نحل معنی دین از آن مستفاد نیست ملی کردن و ملی شدن بمعنی دولتی کردن و دولتی شدن از اصطلاحات نوساخت فارسی و ترجمه از زبانهای فرنگیست .

نا تمام